

نگرش سیستمی به بودجه‌ریزی شهرداری‌ها در شرایط اعمال سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی

مهدی صادقی شاهدانی*
دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران،
ایران
دریافت: ۹۴/۰۷/۰۴ پذیرش: ۹۴/۰۹/۰۷

چکیده: اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، درآمدها و هزینه‌های شهرداری را به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد. بر این اساس، مطالعه آثار طرح مذکور بر منابع درآمدی و هزینه‌های شهرداری‌های کشور با نگرش سیستمی، برای بودجه‌ریزی شهرداری‌ها اهمیت بسزایی دارد. بر اساس مدل‌های داده-ستانده می‌توان آثار سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی را بر جریان درآمدی و هزینه‌های شهرداری‌های کشور، مورد ارزیابی سیستمی قرار داد. آنچه مسأله را تا حدی پیچیده می‌کند تطبیق مقوله‌های هزینه‌های شهرداری‌هاست.

افزایش قیمت حامل‌های انرژی مستقیماً از طریق افزایش درآمدهای حاصل از عوارض مربوط به سوخت و برق، می‌تواند منجر به افزایش درآمد حاصل از قانون مالیات بر ارزش افزوده برای شهرداری‌ها شود. به منظور برآورد تأثیر اجرای مرحله اول قانون بر این آیتم درآمدی، مصارف و قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های قبل و بعد از هدفمندی، مورد استفاده قرار گرفت. با داشتن اطلاعات قیمت و مصرف قبل و بعد از هدفمندسازی، این امکان فراهم شد که افزایش ارزش ریالی مصرف حامل‌های انرژی مختلف در سال مورد نظر، محاسبه شود و سپس میزان افزایش عوارض ناشی از هر سوخت برای تمامی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با استفاده از رقم حاصله و نیز با اعمال نرخ‌های اخذ عوارض مربوط به شهرداری‌ها (مشخص شده در قانون مالیات بر ارزش افزوده) محاسبه گردد. با استفاده از مدل قیمت مبتنی بر جدول داده-ستانده می‌توان تأثیر تعدیل قیمت‌های انرژی بر تورم محصولات مختلف را شبیه‌سازی کرد. مبتنی بر تورم حاصله در کالاها و خدمات کل اقتصاد می‌توان افزایش هزینه شهرداری‌ها را محاسبه نمود. این نوع شبیه‌سازی، مبتنی بر نگرش سیستمی خواهد بود و کلیه آثار مستقیم و غیرمستقیم، در آن لحاظ می‌شود. بودجه‌ریزی شهرداری‌ها مبتنی بر نگرش مزبور، بودجه متوازن را نتیجه خواهد داد.

واژگان کلیدی: بودجه‌ریزی متوازن، مدل داده-ستانده، درآمد و هزینه شهرداری‌ها، مدل قیمت، سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی

طبقه‌بندی JEL: H۱۰, C۳۰, D۳۳, R۳۲

*مسئول مکاتبات: sadeghi@isu.ac.ir

فصلنامه علمی-پژوهشی

اقتصاد و مدیریت شهری

شاپا: ۲۸۷۰-۲۳۴۵

نمایه در ISC, SID, Noormags.

RICeST, Ensani, Magiran

www.Iueam.ir

سال چهارم، شماره سیزدهم صفحات ۱۷۸-۱۶۵

زمستان ۱۳۹۴

۱- مقدمه

بودجه سند دخل (درآمدها) و خرج (هزینه‌ها) یک سازمان یا یک دولت ملی یا یک دولت محلی، همانند بودجه‌بندی برای شهرداری‌هاست. در شرایط اعمال سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی، جریان درآمدی و نیز جریان هزینه‌ها، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. مالیات بر ارزش‌افزوده، یکی از راه‌های کسب درآمد شهرداری‌هاست که مستقیماً تحت‌تأثیر مثبت سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی می‌باشد؛ اما هزینه‌های شهرداری‌ها تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی است. مسأله اساسی در این مقاله آن است که در بودجه‌ریزی شهرداری‌ها چه نگرش و چه مدلی، مبنای کارهای کارشناسی قرار گیرد تا شهرداری‌ها با کسری‌های بودجه‌ای، مواجه نشوند.

همواره در سال‌های گذشته بحث تعدیل قیمت‌های انرژی، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولین کشور بوده است؛ به‌گونه‌ای که در تمامی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب (به ویژه برنامه‌های سوم و چهارم) ضرورت اصلاح آن، مدنظر بوده است. نظر به این اهمیت، دولت نهم، لایحه هدفمندی یارانه‌ها را در سال ۱۳۸۷ مطرح کرد و مجلس شورای اسلامی، قانون آن را با اعمال تغییراتی در سال ۱۳۸۸ تصویب کرد و بر اساس آن، از صبح روز بیست‌وهشتم آذرماه سال ۱۳۸۹، حامل‌های انرژی، آب و نان، در سراسر کشور با بهای جدید ارائه شدند. به نظر می‌رسد با توجه به شکاف قیمت‌های اقتصادی انرژی و قیمت‌های جاری در سال‌های آینده، تعدیل قیمت‌های انرژی حتی پس از دوره اتمام قانون هدفمندی، ادامه خواهد داشت؛ هر چند قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ابعاد ملی مطرح است و آثار اجرایی این طرح -که اساسی‌ترین بخش آن مربوط به اصلاح قیمت‌های انرژی و پرداخت نقدی یارانه‌ها می‌شود- در بُعد ملی مورد مطالعه قرار گرفته اما آثار آن، در ابعاد محلی نیز بسیار

با اهمیت می‌باشد؛ به‌ویژه آثاری که بر منابع درآمدی و هزینه‌های شهرداری‌های کشور داشته و خواهد داشت. برای نیل به وضعیت مطلوب و ایده‌آل و از بین بردن شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، طی سال‌های گذشته، برنامه‌ها، طرح‌ها و تصمیمات گسترده‌ای در عرصه اقتصاد ملی شکل گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور اشاره نمود. در قانون برنامه چهارم توسعه، توجه ویژه‌ای به مقوله هدفمندی یارانه‌ها شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به ابقاء بند «الف» ماده ۴۶ قانون برنامه سوم اشاره کرد.

بند «الف» ماده ۴۶ قانون برنامه سوم:

دولت مکلف است حداکثر تا پایان سال دوم برنامه سوم توسعه، با انجام مطالعات و بررسی‌های کارشناسی، اقدامات قانونی را به منظور هدفمند کردن یارانه کالاهای اساسی شامل: گندم، برنج، روغن نباتی، قند و شکر، پنیر، شیر، دارو، شیرخشک، کود، بذر، سم، حامل‌های انرژی و سایر موارد را انجام دهد. طی برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۴ تصمیم گرفته شد بخشی از مابه‌التفاوت قیمت آزاد (هزینه تولید فرآورده بدون در نظر گرفتن قیمت سوخت) و قیمت تکلیفی فروش داخلی فرآورده که توسط مجلس تعیین می‌شد، خارج از سقف ماده واحده از حساب ذخیره ارزی، برداشت و به شرکت‌های پالایش و پخش، گاز و توانیر پرداخت شود. حجم این منابع، به تدریج افزایش یافت و در سال ۱۳۸۶ به رقم تقریبی ۴۲۰۰۰ میلیارد ریال رسید. در قانون بودجه سال ۸۷ تصمیم گرفته شد این برداشت‌ها در قانون بودجه، گنجانده شود و در نتیجه ۱۲۲۰۰۰ میلیارد ریال برای این منظور در نظر گرفته شد. این مبالغ بخش دوم یارانه آشکار انرژی را شکل می‌دهد. دولت در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب ۳۱۹۲۶۴ میلیارد ریال، ۳۸۳۵۵۷ میلیارد ریال، ۵۰۴۶۹۱ میلیارد

ریال، یارانه ضمنی متحمل شد (تصدیقی و حیدرپور، ۱۳۸۷).

هدفمندی سازی یارانه انرژی در لهستان، بخشی از برنامه اصلاحات اقتصادی پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی را تشکیل می‌داد که موفق‌ترین برنامه در گروه کشورهای بلوک شرق بود. براساس بسته مذکور، پرداخت یارانه صنایع، به روش شوک‌درمانی قطع شد.

دولت بلغارستان، تا قبل از اصلاحات اقتصادی، از بخش انرژی به شدت حمایت می‌کرد. با شروع برنامه‌های آزادسازی اقتصادی در بلغارستان، به منظور کاهش بدهی‌های عمومی و افزایش سرمایه‌گذاری، حمایت‌ها در این بخش، کاهش یافت و اکنون خانوارها تنها استفاده‌کنندگان منافع حاصل از یارانه‌های انرژی هستند. فرایند اصلاح یارانه‌های انرژی در بلغارستان، بسیار مؤثر بود و از سال ۱۹۹۸ سهم یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی، روند کاهشی داشت؛ به طوری که از ۲/۵ درصد به ۰/۴ درصد تا سال ۲۰۰۲ کاهش یافت (توتونچی ملکی، ۱۳۸۷).

دولت اندونزی، از اختصاص یارانه مستقیم به فرآورده‌های نفتی برای حمایت از اقشار کم‌درآمد و خانوارهای فقیر، استفاده می‌کند و با توجه به غیرکارا بودن آن، به دنبال اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات در جهت مصرف منطقی انرژی است.

دولت چین، سابقه طولانی در پرداخت یارانه در بخش انرژی دارد. با این حال، اگرچه طی سال‌های اخیر، سیستم قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی تا حدودی، متحول شده و تلاش می‌شود که آثار تغییرات و دگرگونی‌های حادث شده در بازارهای بین‌المللی نیز در آن لحاظ شوند، هنوز قیمت اغلب سوخت‌ها در چین، از طریق دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها اعلام می‌شود. بنابراین آزادسازی بخش انرژی با این فرض در نظر

گرفته می‌شود که دولت به تدریج، پرداخت یارانه را حذف نماید.

در سال ۲۰۰۴ پارلمان ترکیه، طرحی را به تصویب رساند که طی آن، هزینه‌های تولید نفت داخل آن کشور، اصلاح شد (قادری و همکاران، ۱۳۸۴).

۲- پیشینه تحقیق

در مطالعه‌ای که وزارت بازرگانی در سال ۱۳۸۴ انجام داد، با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی در سه سناریو متفاوت: ۱- افزایش ۵۰ درصدی قیمت فرآورده‌های نفتی، برق و گاز طبیعی ۲- افزایش قیمت‌های مذکور تا سطح قیمت‌های جهانی ۳- افزایش هم‌زمان قیمت تمام حامل‌های انرژی به سطح قیمت جهانی، به شبیه‌سازی آثار حذف یارانه‌های انرژی در اقتصاد ایران پرداخته است (پرمه، ۱۳۸۴).

مرکز پژوهش‌های مجلس، براساس جدول داده-ستانده (IO)، به بررسی آثار حذف یارانه‌های انرژی پرداخته و این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است که نمی‌توان هیچ مدل یا الگویی در عرصه اقتصاد کشور مشخص کرد که با قطعیت، آثار اجرای طرحی که اصلاح دفعی، یک‌باره و هم‌زمان قیمت کل حامل‌های انرژی را که در گستره وسیعی یارانه‌ها را به صورت نقدی پرداخت می‌کند، پیش‌بینی نماید (تصدیقی و حیدرپور، ۱۳۸۷).

در این تحقیق، با استفاده از روابط تحلیلی جدول داده-ستانده، ماتریس ضرایب فنی اقتصاد ایران و ماتریس ضرایب لئونتیف^۱ به بررسی تأثیر افزایش قیمت بنزین به عنوان نهاده بخش‌های مختلف اقتصادی، بر قیمت تمام شده ستانده آن‌ها، پرداخته شده و با استفاده

۱- Leontief

از اطلاعات مربوط به سهم هزینه‌ای هر یک از کالاهای مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی در سبد هزینه خانوار، میزان افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده در اثر این افزایش قیمت‌ها محاسبه شده است.

در مطالعه کارگروه طرح تحول مرحله اول با استفاده از جدول ضرایب مستقیم اقتصاد ایران (۹۱ محصول \times ۹۱ محصول) و مدل قیمتی داده-ستانده، به محاسبه میزان تغییر قیمت محصولات مختلف در اثر تغییر چهار برابری قیمت فرآورده‌های نفتی پرداخته شده است. بر این اساس، شوک قیمتی مذکور، بیشترین تأثیر را بر روی خدمات حمل‌ونقل آبی و خدمات حمل‌ونقل هوایی، به ترتیب با ۴۳ درصد و ۴۲ درصد و سپس بر خدمات حمل‌ونقل جاده‌ای مسافر با ۲۱ درصد و کمترین تأثیر را بر روی نفت خام و گاز طبیعی و خدمات آموزش ابتدایی دولتی با ۰/۱ درصد و ۰/۵ درصد داشته است.

۳- مبانی نظری

شهرداری‌ها در تولید و عرضه بسیاری از کالاها و خدمات عمومی محلی؛ مانند اتوبان‌ها و خیابان‌ها، پارک‌ها و نظافت شهری، نقش محوری دارند و می‌توان وظیفه اولیه شهرداری‌ها را عمدتاً تولیدکننده و عهده‌دار کالاهای عمومی در محدوده شهرها به حساب آورد. بنابراین به‌طور کلی شهرداری‌ها، وظیفه تولید و ارائه کالاها و خدمات عمومی را در نظام اقتصادی بر عهده دارند و در مقابل، برای تأمین مالی انجام وظایف خود با تصویب مراجع ذی‌صلاح، عوارض و بهای خدمات را از شهروندان، دریافت و هزینه‌های انجام وظایف محوله را تأمین می‌کنند. در حقیقت، شهرداری‌ها به عنوان نهادی مستقل، محسوب می‌شوند که برای کسب درآمد خود باید تلاش کنند و بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت که اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، درآمدها و هزینه‌های این نهاد را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر

قرار داده و خواهد داد؛ موضوعی که بی‌توجهی به آن، می‌تواند تبعات سنگینی را برای شهرهای کشور به همراه داشته باشد؛ زیرا شهرداری‌ها از جمله مهم‌ترین نهادهای بخش عمومی به شمار می‌روند و با گردش مالی بسیار بالایی که در سطح کشور ایجاد می‌کنند، جایگاه ویژه‌ای را در اقتصاد شهرها و جامعه، به خود اختصاص می‌دهند. این جایگاه شهرداری‌ها و حجم وسیع عملکرد آن‌ها، منجر به تأثیرپذیری بیشتر از تبعات طرح بزرگی؛ همچون هدفمندسازی یارانه‌ها خواهد شد. بدیهی است که کسب آگاهی بیشتر از تبعات مثبت و منفی اجرای طرح مذکور برای شهرداری‌ها، باعث استفاده بهتر از فرصت‌ها، مقابله با تهدیدها و چه بسا تبدیل آن‌ها به فرصت خواهد شد (اکبری و مؤذن جمشیدی، ۱۳۹۰).

تأثیر تعدیل قیمت‌های انرژی، بر هر یک از شهرداری‌ها باید از دو بعد درآمدها و هزینه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی، منابع درآمدی هر یک از شهرداری‌های کشور عبارتند از:

- ۱- درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (مستمر)
- ۲- درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی
- ۳- بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری
- ۴- درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری
- ۵- کمک‌های اعطایی دولت و سازمان‌های دولتی
- ۶- امانات، هدایا و دارایی‌ها
- ۷- سایر منابع تأمین اعتبار.

هر یک از منابع درآمدی فوق، دارای سرفصل‌ها و زیربخش‌هایی می‌باشد که برای تمامی شهرداری‌های کشور با تفاوت‌های اندکی تقریباً یکسان هستند. از بین آیتم‌های درآمدی مختلف شهرداری‌ها، عمده‌ترین منابع درآمدی که می‌توانند تحت‌تأثیر سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی قرار گیرند عبارتند از:

درآمد حاصل از قانون مالیات بر ارزش افزوده و درآمدهای ساختمانی شهرداری‌ها.

مقوله‌های درآمدی تشکیل دهنده درآمدهای ساختمانی، به صورت زیر نشان داده شده‌اند:

- عوارض بر پروانه‌های ساختمانی
- عوارض بر مازاد تراکم
- عوارض بر تفکیک اراضی و ساختمانی
- عوارض بر بالکن و پیش‌آمدگی
- ۱۰ درصد عوارض زیربنا
- عوارض حذف پارکینگ
- جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰
- درآمد حق مشرفیت.

تعدیل قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند بر هزینه‌های ساخت و ساز، تأثیرگذار باشد و از این منظر، با تأثیر بر تقاضا برای پروانه‌های ساختمانی، درآمدهای شهرداری‌ها و به‌طور خاص، درآمدهای ساختمانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، تعدیل قیمت‌های انرژی بر درآمدهای ساختمانی، تأثیر غیرمستقیم دارد.

کدهای درآمدی که با توجه به قانون مالیات بر ارزش افزوده وصول می‌شوند، در زیر نشان داده شده‌اند:

- عوارض گاز
- عوارض آب‌بهای مشترکین
- عوارض تلفن (ثابت و همراه)
- عوارض برق مشترکین
- عوارض بر اماکن عمومی
- عوارض بر اماکن و تالارها
- عوارض بر تولید کارخانجات
- عوارض بر نوشابه‌ها
- ۸۰ درصد عوارض و درآمدهای وصولی
- عوارض بر قراردادهای
- کمک از محل ۱۲ در ۱۰۰۰ حقوق گمرکی
- عوارض وصولی متمرکز.

افزایش قیمت حامل‌های انرژی، مستقیماً از طریق افزایش درآمدهای حاصل از عوارض مربوط به سوخت، می‌تواند منجر به افزایش درآمد حاصل از قانون مالیات بر ارزش افزوده برای شهرداری‌ها شود. در واقع باید گفت عمده‌ترین و بارزترین تأثیر سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی بر درآمد حاصل از قانون مالیات بر ارزش افزوده شهرداری‌ها از طریق تأثیر آن بر عوارض سوخت می‌باشد (اکبری و مؤذن جمشیدی، ۱۳۹۰).

درآمدهای ساختمانی، سهم بالایی از درآمدهای شهرداری‌های کلان‌شهرها را به خود اختصاص می‌دهد و از این‌رو، از اهمیت بالایی در بین منابع درآمدی شهرداری‌ها برخوردار هستند. این اهمیت، زمانی برای شهرداری‌های کلان‌شهرها آشکارتر می‌شود که بیش از ۶۰ درصد درآمدهای شهرداری کلان‌شهرها، از محل درآمدهای ساختمانی بوده است.

در قانون مالیات بر ارزش افزوده که مالیات بر تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری یا تحصیل شده در یک دوره معین می‌باشد، علاوه بر نرخ‌های مالیات تعیین شده برای کالاها و خدمات مختلف که متعلق به دولت است، نرخ عوارض نیز تعیین شده است که متعلق به شهرداری‌ها می‌باشد و وصول بخشی از آن بر عهده شهرداری‌ها و بخشی نیز به سازمان امور مالیاتی واگذار شده است. در ذیل، موادی از قانون مالیات بر ارزش افزوده که تعیین‌کننده عوارض وصولی شهرداری‌ها می‌باشد به صورت مختصر، آورده شده است:

ماده ۳۸: بر اساس این ماده، نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول قانون مالیات بر ارزش افزوده، علاوه بر نرخ مالیات آورده شده در ماده ۱۶ عبارت است از:

ا- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ ماده ۱۶ این قانون، ۱/۵ درصد^۱

ب- انواع محصولات دخانی: ۳ درصد

ت- انواع بنزین و سوخت هواپیما: ۱۰ درصد

ث- نفت سفید و نفت گاز: ۱۰ درصد و نفت کوره: ۵ درصد.

همچنین بر اساس تبصره (۱) این ماده، واحدهای تولیدی آلاینده محیط‌زیست که استانداردها و ضوابط حفاظت از محیط‌زیست را رعایت نمی‌نمایند، طبق تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط‌زیست (تا پانزدهم اسفندماه هر سال برای اجراء در سال بعد)، همچنین پالایشگاه‌های نفت و واحدهای پتروشیمی، علاوه بر مالیات و عوارض متعلق موضوع این قانون، مشمول پرداخت یک درصد از قیمت فروش به عنوان عوارض آلاینده می‌باشند که عوارض مذکور در داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل استقرار واحد تولیدی و در خارج از شهرها، به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور واریز می‌شود تا بین دهیاری‌های همان شهرستان، توزیع شود.

ماده ۴۱: معادل دوازده در هزار ارزش گمرکی کالاهای وارداتی که حقوق ورودی آنها وصول می‌شود از محل اعتباراتی که همه‌ساله در قوانین بودجه سنواتی کل کشور، منظور می‌شود در اختیار وزارت کشور قرار می‌گیرد تا بر اساس مقررات (براساس مقررات تبصره (۲) ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده) به شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور به عنوان کمک پرداخت و هزینه قطعی منظور شود.

ماده ۴۳: بر اساس این ماده، مالیات و عوارض خدمات خاص به شرح زیر تعیین می‌شود:

ا- حمل‌ونقل برون‌شهری مسافر در داخل کشور با وسایل زمینی (به استثنای ریلی)، دریایی و هوایی، ۵ درصد بهای بلیط (به عنوان عوارض)
وصول این عوارض بر اساس ماده ۴۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده به شهرداری محل، محول می‌شود و عوارض مزبور نیز به حساب شهرداری محل فعالیت واریز می‌گردد.

ب- عوارض سالیانه انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخلی یا وارداتی حسب مورد، معادل یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی) یا یک در هزار مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها البته در مورد خودروهای با عمر بیش از ده سال (به استثنای خودروهای گازسوز) به ازای سپری شدن هر سال (تا مدت ده سال) به میزان سالانه ۱۰ درصد و حداکثر تا ۱۰۰ درصد عوارض مذکور، افزایش می‌یابد.

وصول این نوع عوارض نیز بر اساس ماده ۴۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده به شهرداری محل، محول می‌شود و عوارض مزبور نیز به حساب شهرداری محل فعالیت، واریز می‌شود.

ت- شماره‌گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دوکابین؛ اعم از تولید داخلی یا وارداتی، به استثناء خودروهای سواری عمومی درون‌شهری یا برون‌شهری، حسب مورد ۳ درصد قیمت فروش کارخانه یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها (۲ درصد مالیات و ۱ درصد عوارض)

عوارض جمع‌آوری شده از این محل، براساس ماده ۴۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده، به حساب تمرکز وجوه واریز می‌شود تا طبق مقررات مربوط به تبصره (۲) ماده ۳۹ این قانون، توزیع و هزینه گردد.

عنوان منابع درآمدی ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده به شرح ذیل است:

- عوارض گاز

۱- این نرخ برای سال ۱۳۹۰ به ۱/۰۸ و برای سال ۱۳۹۱ به ۲/۱ افزایش یافته است.

موردی که تحت تأثیر قرار می‌گیرد هزینه‌های سوخت، آب و برق می‌باشد که مستقیماً از اجرای سیاست مذکور تأثیر می‌پذیرد.

حمل‌ونقل، از مهم‌ترین مواردی است که با زندگی روزمره مردم هر شهر، در ارتباط است. با اجرای کامل قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، این بخش دچار تغییر و تحولات می‌شود. هزینه‌های حمل‌ونقل در تابع تصمیم‌گیری خانوارهای شهری، تاکنون جایگاه اساسی نداشته است. اجرای قانون متغیر هزینه‌های حمل‌ونقل، منجر به تغییرات جدی در تصمیم‌گیری مکانی خانوارها و مشاغل شهری خواهد شد. بر این مبنای موضوع حمل‌ونقل عمومی در شهرها، با افزایش قابل توجهی در تقاضا مواجه خواهد شد.

از طرف دیگر، افزایش هزینه‌های سوخت در حوزه حمل‌ونقل عمومی، معضل جدی در عرضه گسترده این خدمات، ایجاد می‌کند. لذا لازم است پیش‌بینی لازم در میزان این افزایش و تأثیرات آن به‌عمل آید.

هزینه‌های عمرانی نیز از سرفصل‌های برنامه‌ریزی توسعه شهری، هدایت و دفع آب‌های سطحی داخل شهری، حمل‌ونقل و بهبود عبور و مرور شهری، ایجاد تأسیسات حفاظتی شهرها، بهبود محیط شهری، ایجاد اماکن و فضاهای ورزشی فرهنگی و توریستی و مذهبی، ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری و دیون عمرانی تشکیل شده است.

با توجه به اجزای تشکیل‌دهنده هزینه‌های عمرانی، می‌توان گفت که با اجرای سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی، هزینه‌های عمرانی، به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر افزایش قیمت حامل‌های انرژی قرار خواهند گرفت. در واقع، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، هزینه‌های مربوط به تهیه مواد و تجهیزات لازم برای انجام برنامه‌های عمرانی را افزایش داده و منجر به افزایش هزینه‌های عمرانی می‌شوند (هادی‌زنوز، ۱۳۹۰).

- عوارض آب‌بهای مشترکین

- عوارض تلفن (ثابت و همراه)

- عوارض برق مشترکین

- عوارض بر اماکن عمومی

- عوارض بر اماکن و تالارها

- عوارض بر تولید کارخانجات

- عوارض بر نوشابه‌ها

- ۸۰ درصد عوارض و درآمدهای وصولی

- عوارض بر قراردادهای.

با داشتن اطلاعات قیمت و مصرف حامل‌های انرژی، قبل و بعد از اجرای سیاست‌های تعدیل قیمت انرژی، این امکان فراهم می‌شود که افزایش ارزش ریالی مصرف حامل‌های انرژی مختلف در سال‌های مختلف، محاسبه شود، سپس، میزان افزایش عوارض ناشی از هر سوخت برای تمامی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با استفاده از رقم حاصل شده برای افزایش ارزش ریالی مصرف حامل‌های انرژی و اعمال نرخ‌های انواع بنزین و سوخت هواپیما (۱۰ درصد) و نفت سفید و نفت گاز (۱۰ درصد) و نفت کوره (۵ درصد) و گاز مایع، گاز طبیعی و برق مطابق با نرخ سایر کالاها و خدمات (۱/۵ درصد) محاسبه می‌شود.

هزینه‌های شهرداری‌های کشور، به دو دسته کلی

هزینه‌های جاری و هزینه‌های عمرانی تقسیم می‌شوند که هر یک از این هزینه‌ها نیز شامل سرفصل‌ها و زیرمجموعه‌هایی هستند (اکبری و مؤذن جمشیدی، ۱۳۹۰).

هزینه‌های جاری، از دو وظیفه کلی خدمات اداری و خدمات شهری تشکیل شده‌اند که هر یک از این دو وظیفه؛ شامل چهار فصل هزینه‌های پرسنلی، اداری، سرمایه‌ای و انتقالی می‌باشند.

سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی، طبیعتاً هزینه‌های جاری شهرداری را تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد که در بین آن‌ها می‌توان گفت، عمده‌ترین

آموزش)، اثر دوره‌ای اقتصادی و مسائل محیط‌زیست و برنامه‌ریزی شهری را نیز افزود.

اولین گام در استفاده از نظریه تعادل عمومی در تحلیل‌های تجربی، اقدام لئونتیف در طراحی جدول داده- ستانده بود. وی در سال ۱۹۳۰ یک جدول داده- ستانده برای اقتصاد امریکا طراحی کرد که در برگیرنده بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و حمل‌ونقل بود. لئونتیف با کمک روابط حساب‌های ملی، تحلیل داده- ستانده را پایه‌گذاری کرد. این تحلیل، تعاملات و روابط بازارها و بخش‌های مختلف تولیدی یک کشور یا یک منطقه را در بر دارد. اولین کاربرد رسمی جدول داده- ستانده، در پیش‌بینی توزیع شاغلان در دوران پس از جنگ جهانی دوم در ایالات متحده بود. دفتر آمار و نیروی انسانی، این مطالعه را در سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۸ شمسی) با استفاده از جدولی ۹۶ بخشی، انجام داد. در سال ۱۹۴۹ گروهی ۵۰ نفره در همین دفتر، تهیه جدول ۵۰۰ بخشی ایالات متحده را آغاز کردند که این اقدام تا سال ۱۹۵۳ به طول انجامید.

جدول تحلیلی داده- ستانده، یک جدول مقارن بخش‌دربخش یا کالا در کالا است. جدول بخش‌دربخش، نشان می‌دهد که هر بخش اقتصادی، چه چیزی به بخش‌های دیگر داده (عرضه محصولات) و چه چیزی از آن‌ها گرفته است (تقاضای نهاده‌ها). جدول کالا در کالا نیز نشان می‌دهد برای تولید هر کالا، چه مقدار از کالاهای دیگر استفاده شده و کالای تولید شده، در کدام بخش‌ها مصرف شده است. در جدول داده- ستانده، مشخص است که در تولید هر محصول، چه میزان هزینه مواد واسطه (ماتریس روابط بین بخشی)، چه میزان تقاضای کار و سرمایه و چه میزان، هزینه مالیات بوده است. همچنین مشخص است که تقاضاکنندگان برای هر کالا، چقدر هزینه کرده‌اند.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر هزینه‌های شهرداری‌ها تأثیر دارد که عمده‌ترین تأثیر مستقیم، از جانب هزینه‌های جاری و عمده‌ترین تأثیر غیرمستقیم، از جانب هزینه‌های عمرانی می‌باشد.

۴- روش تحقیق

سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی، طی سال‌های آینده، تا رسیدن به قیمت‌های اقتصادی، ادامه خواهد داشت. در اجرای این سیاست‌ها، جریان بودجه‌ریزی شهرداری‌ها، متأثر خواهد شد. رسیدن به بودجه متوازن، از جمله هدف‌های بودجه‌ریزی است. در این راستا باید درآمدها و هزینه‌ها به‌درستی پیش‌بینی شوند. به همین دلیل با توجه به آثار مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی، ضروری است بر اساس یک نگرش سیستمی، به فرایند مزبور پرداخته شود. مدل‌سازی داده- ستانده، قادر خواهد بود بودجه‌ریزان شهرداری‌ها را در این مسیر کمک کند.

روش داده- ستانده که از مجموعه روش‌های اقتصاد خطی است، کاربردهای فراوانی در تحلیل سیاست‌ها دارد. این کاربردها عبارتند از: پیش‌بینی تقاضا، تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری به تفکیک بخش‌ها برای یک کشور یا یک منطقه اقتصادی کوچکتر، بررسی دگرگونی فنون (تکنولوژی) و اثر آن بر روی بهره‌وری، تأثیر تغییر دستمزد یا سود بر روی قیمت‌ها، بررسی روابط اقتصادی میان کشورها و مناطق، استفاده از منابع طبیعی و برنامه‌ریزی اقتصادی. بر این فهرست می‌توان موارد دیگری؛ چون پیش‌بینی واردات و به‌طور کلی تراف بازرگانی، برآورد مصرف انرژی، اثر توزیعی بودجه دولت، تعیین نرخ تنزیل، اثر ابزارهای مالی مانند نرخ متعارف انواع مالیات‌ها (درآمد، ارزش‌افزوده)، اثر معافیت‌های مالیاتی و هزینه‌های اجتماعی دولت (بهداشت و

«مقادیر تقاضای نهایی از هر کالا»، متغیر سیاستی هستند و «سطح تولید بخش‌های مختلف»، متغیر هدف است. در واقع، تحلیل مقداری داده-ستانده، تأثیر تغییر تقاضای نهایی از هر کالا بر تولید بخش‌های مختلف اقتصاد را محاسبه می‌کند. بیان ماتریسی این سیستم، به صورت ساده، عبارت است از:

$$x = (I - A)^{-1} f$$

f = بردار تقاضای نهایی بخش‌ها

A = ماتریس ضرایب فنی

I = ماتریس یکه

x = بردار تولید بخش‌ها

۵- یافته‌های تحقیق

مدل قیمتی انرژی

مدل قیمت، ابزاری است که از طریق آن می‌توان تأثیرات افزایش یا کاهش قیمت محصولات یک بخش اقتصادی را بر قیمت محصولات سایر بخش‌های اقتصادی، محاسبه و تحلیل کرد. فرض اصلی در استخراج مدل داده-ستانده، ثابت بودن نسبت نهاده‌ها به ستانده‌هاست که این امر، مستلزم وجود متناسب مواد خام و اجناس نیمه‌تمام برای سطحی از تولید می‌باشد. به نظر می‌رسد که هر بخش از تولید باید برای یک واحد از ستانده، یک برادر معین از داده‌ها را مصرف کند (Kula, ۱۹۹۶).

حقیقتی که تجزیه و تحلیل داده-ستانده را توجیه می‌کند، عبارت است از اینکه بخش‌های شرکت‌کننده در فرایند تولید، بر هر دو طرف قیمت و مقدار، تأکید دارند و با آن‌ها مرتبط هستند. قیمت در یک صنعت، به قیمت‌های دیگر صنایع، وابسته است؛ زیرا داده‌های آن‌ها را به کار گرفته و دیگر بخش‌ها، از داده‌های آن استفاده می‌کنند. محصول هر یک از صنایع، به سطوح تقاضای بخش‌هایی که به آن‌ها کالا می‌فروشد، بستگی دارد. تقاضای نهایی برای نیروی کار، سرمایه و واردات واسطه‌ای نیز به

با توجه به قوت نظری و کاربرد الگوی داده-ستانده، اهمیت الگوی داده-ستانده لئونتیف، در پایان جنگ جهانی دوم، آشکار شد. در آن زمان، سیاست‌گذاران به دنبال پاسخ این سؤال بودند که آیا با اتمام جنگ، تقاضای آهن و فولاد کاهش می‌یابد یا خیر. الگوی داده-ستانده لئونتیف، از محدود الگوهای بود که پیش‌بینی کرد تقاضا برای آهن و فولاد، کاهش نخواهد یافت. اثبات صحت این پیش‌بینی در واقعیت، باعث شد تحلیل آثار سیاست‌ها بر مبنای الگوی داده-ستانده برای سیاست‌گذاران، جذابیت بیشتری یابد.

به این ترتیب، لئونتیف، یک سیستم معادلات تعادل عمومی را بنا نهاد که در آن، توابع تولید و مطلوبیت افراد، دارای فرم لئونتیف است و توابع تقاضا در بازار کالاها و عوامل نیز بر اساس تابع لئونتیف، تعیین می‌شود. در این سیستم معادلات، شکل توابع تولید و همچنین نحوه تسویه عرضه و تقاضا در بازار کالاها بیان می‌شود.

در این ساختار ساده، تعاملات بخش‌های تولیدی و بازارهای مختلف، مدل‌سازی شده، اما شرط تسویه بازار کار و بازار سرمایه، لحاظ نشده است. همچنین تقاضای مصرف‌کننده نمونه (و تقاضای نهایی سایر نهاده‌ها) به صورت برون‌زا در نظر گرفته می‌شود.

تحلیل داده-ستانده به دو شکل قیمتی و مقداری، صورت می‌گیرد. تحلیل مقداری داده-ستانده بر اساس «شرط تسویه بازار» صورت می‌گیرد و تسویه عرضه و تقاضا را نمایش می‌دهد. در مقابل، تحلیل قیمتی داده-ستانده بر مبنای «شرط سود صفر» برای بخش‌های اقتصادی تدوین شده و نحوه تعیین قیمت محصول بر مبنای قیمت نهاده‌ها را نمایش می‌دهد. در این گونه تحلیل‌ها، متغیرهای برون‌زا، پارامتر سیاستی هستند.

تحلیل مقداری داده-ستانده، یک تحلیل ماتریسی از تعاملات بخش‌های اقتصاد است. به عبارت دیگر،

هزینه‌های تولید کالاهایی که از آن‌ها در تولید محصولات خود استفاده نموده، منتقل می‌گردد. مدل قیمت بر اساس جدول داده- ستانده، می‌تواند کلیه تأثیر و تأثرات قیمتی را تحلیل نماید.

تحلیل قیمتی داده- ستانده نیز یک تحلیل ماتریسی از تعاملات قیمت و هزینه کالاهای مختلف اقتصاد است. در این تحلیل «قیمت یک یا چند کالا یا عامل تولید»، پارامتر سیاستی بوده و «سطح قیمت کالاهای مختلف» متغیر هدف است. در واقع تحلیل قیمتی داده- ستانده، تأثیر تغییرات قیمت‌های برون‌زا را بر سایر قیمت‌ها محاسبه می‌کند. در تحلیل داده- ستانده، قیمت‌ها بر اساس این رابطه به دست می‌آید:

$$\tilde{p} = (I - A')^{-1} v_c$$

$V =$ قیمت‌های برون‌زا

$P =$ بردار قیمت‌های محصولات بخش‌های تولیدی.

این مدل‌ها، به توصیف تعاملات بین بخشی یک اقتصاد در ابعاد مختلفی؛ از جمله ارزش‌افزوده و ضرایب نهاده و ستاده به نسبت کل تولید می‌پردازند. در این مدل، شاخص‌های اقتصادی خاصی با استفاده از جداول داده- ستانده، استخراج شده تا تغییرات ساختاری اقتصاد ناشی از اثرات سیاست‌های اقتصادی یا سیاست‌های حوزه انرژی، پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت، تغییر در سطح تقاضای انرژی، آلاینده‌ها، وضعیت منابع و ... را مورد بررسی قرار دهد.

حال سؤال اینجاست که بر اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی، قیمت دیگر کالاها در اقتصاد، چگونه و به چه میزان تغییر می‌کند. بدیهی است که این تغییر قیمت‌ها به دو صورت اتفاق خواهد افتاد: یکی اینکه افزایش قیمت حامل‌های انرژی به طور مستقیم باعث افزایش هزینه‌های تولید بنگاه‌ها (از طریق افزایش قیمت آن نوع حامل انرژی که به صورت مستقیم، به عنوان حامل انرژی به کار رفته) می‌شود. همچنین این تغییر

وسیله جمع تقاضاهای واسطه‌ای و نهایی به دست می‌آید و الگوهای به کارگیری عوامل در اقتصاد به عنوان یک کل، قویاً به واسطه ساختار تولید بین صنعتی آن تحت تأثیر قرار می‌گیرند (Morgan & den Butter, ۲۰۰۳).

برای محاسبه قیمت‌ها در جدول داده- ستانده، از مدل قیمتی، استفاده می‌کنیم. بر اساس جدول داده- ستانده، هر بخش تولیدی، نیازهای خود را از بخش‌های دیگر خریداری می‌کند. این نیازها؛ شامل نهاده‌های اولیه و نهاده‌های واسطه‌ای هستند. رابطه بین قیمت‌ها و هزینه‌ها بر اساس ماتریس خالص، به شرح ذیل است:

$$P = A'P + V$$

$A =$ ماتریس مربع $(n \times n)$ ضرایب فنی که هر

جز آن a_{ij} بیانگر مقادیری از بخش i ($i = 1, \dots, n$) است که برای تولید یک واحد از محصول بخش j ($j = 1, \dots, n$) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$P =$ بردار قیمت هر واحد محصول در هر بخش

$A' =$ ترانسپوز ماتریس ضرایب فنی

$V =$ بردار ارزش‌افزوده در هر بخش برای هر

واحد محصول.

در اصل، رابطه فوق بیانگر برابری قیمت واحد محصول با مجموع هزینه تولید و ارزش‌افزوده ایجاد شده در فرایند تولید هر واحد محصول می‌باشد. به عبارت دیگر بر اساس رابطه فوق، قیمت محصول هر بخش برابر است با مجموع هزینه عوامل تولید به علاوه ارزش‌افزوده به دست آمده برای هر واحد محصول. براساس این رابطه می‌توان قیمت‌های نهایی را به عنوان تابعی از ضرایب فنی و ارزش‌افزوده هر واحد محصول دانست. افزایش قیمت انواع کالاهای اساسی از طریق تصحیح بهای آن‌ها، به طور سریع به قیمت کالاهای تمامی بخش‌ها از طریق انتقال به هزینه‌های تولید کالاهایی که به طور مستقیم از این کالاها در تولید خود استفاده می‌نمایند یا از طریق افزایش

اما همان طور که قبلاً نیز بیان شد فرض بر این است که قیمت‌های انرژی توسط دولت تعیین می‌شود و بنابراین به صورت برون‌زا فرض می‌شود. به همین دلیل، این معادله، از دور محاسبات، کنار می‌رود و تنها معادله ۲ مبنا قرار می‌گیرد.

در این معادله، برای محاسبه تغییرات قیمت بخش غیرانرژی، معادله زیر را می‌نویسیم:

$$\Delta Pn = [I - Ann']^{-1} Aen' \Delta Pe$$

بر اساس آنچه این معادله نشان می‌دهد می‌توان گفت تغییر در قیمت‌های بخش غیرانرژی، تابعی است از:

۱- تغییر قیمت‌های انرژی

۲- میزان استفاده بخش‌های غیرانرژی از

داده‌های بخش انرژی

۳- میزان استفاده بخش‌های غیرانرژی از

داده‌های بخش‌های غیرانرژی

همان طور که قبلاً نیز به موضوع آثار مستقیم و غیرمستقیم افزایش قیمت حامل‌های انرژی اشاره کردیم در اینجا نیز اضافه می‌کنیم که معادله فوق، نشان‌دهنده آثار کل می‌باشد و برای محاسبه آثار مستقیم باید معادله زیر را بنویسیم:

$$\Delta Pdn = Aen' \Delta Pe$$

بنابراین بر اساس مدل‌های داده-ستانده می‌توان آثار سیاست‌های تعدیل قیمت‌های انرژی را بر جریان درآمدی و هزینه‌های شهرداری‌های کشور، ارزیابی سیستمی کرد. آنچه مسأله را تا حدی پیچیده می‌کند تطبیق مقوله‌های هزینه‌های شهرداری‌هاست. هر مقوله هزینه‌ای، مبتنی بر یک بخش اقتصادی در مدل‌های داده-ستانده است (Miller & Blair, ۲۰۰۹).

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

سیاست تعدیل قیمت‌های انرژی، همواره در سال‌های گذشته مورد توجه سیاستگذاران و مسئولین

قیمت، باعث تغییر در قیمت سایر نهاده‌های تولید، از این جهت که در تولید آن‌ها نیز از انرژی استفاده شده است نیز می‌شود. با استفاده از مدل قیمتی داده-ستانده، می‌توان اثر کل این تغییر در حامل‌های انرژی را محاسبه کرد.

روش کار در اینجا افراز ماتریس‌ها به دو بخش کلی بخش‌های انرژی و بخش‌های غیرانرژی می‌باشد. بعد از افراز ماتریس‌ها و نوشتن معادله قیمتی، معادله‌ها را به شکل زیر بازنویسی می‌کنیم:

$$\begin{bmatrix} P_e \\ p_n \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} Aee' & Aen' \\ Ane' & Ann \end{bmatrix} \times \begin{bmatrix} P_e \\ p_n \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} V_e \\ V_n \end{bmatrix}$$

متغیرهای این معادله عبارتند از:

Pn = بردار قیمت یک واحد محصول در بخش‌های

غیرانرژی (درون‌زا)

Pe = بردار قیمت یک واحد محصول در بخش‌های

انرژی (برون‌زا)

Vn = بردار ارزش‌افزوده یک واحد محصول

بخش‌های غیرانرژی (برون‌زا)

Ve = بردار ارزش‌افزوده یک واحد محصول بخش

Aee = بردار داده بخش انرژی به تولید بخش

انرژی

Aen = بردار داده‌های بخش غیرانرژی به تولید

بخش انرژی

Ane = بردار داده بخش انرژی به تولیدات بخش

غیرانرژی

Ann = بردار داده‌های بخش غیرانرژی به تولیدات

بخش غیرانرژی.

از حل سیستم فوق، نتایج زیر به دست می‌آید:

$$Pe = Aee' Pe + Aen' Pn + Ve \quad (۱)$$

$$Pn = Ane' Pe + Ann' Pn + Vn \quad (۲)$$

هدفمندسازی، این امکان فراهم می‌شود که افزایش ارزش ریالی مصرف حامل‌های انرژی مختلف در سال مورد نظر محاسبه شود و سپس میزان افزایش عوارض ناشی از هر سوخت برای تمامی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با استفاده از رقم به‌دست آمده و نیز با اعمال نرخ‌های اخذ عوارض مربوط به شهرداری‌ها (مشخص شده در قانون مالیات بر ارزش‌افزوده) محاسبه شود.

۴- افزایش قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند بر هزینه‌های ساخت‌وساز نیز تأثیرگذار باشد و از این منظر و به طور ویژه، با اثرگذاری بر تقاضای پروانه‌های ساختمانی، درآمدهای شهرداری‌ها به طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۵- با استفاده از مدل قیمت‌مبندی بر جدول داده- ستانده می‌توان تأثیر تعدیل قیمت‌های انرژی بر تورم محصولات مختلف را شبیه‌سازی کرد. براساس تورم حاصله در کالاها و خدمات کل اقتصاد می‌توان افزایش هزینه شهرداری‌ها را محاسبه کرد.

۷- منابع

اکبری، نعمت‌الله؛ مؤذن جمشیدی، سیده هما. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر درآمد و هزینه کلان‌شهرها (تشخیص فرایندها و تأثیرات بعد از اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها؛ مطالعه موردی کلان‌شهر اصفهان)، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۹، شماره ویژه. بانویی، علی‌اصغر؛ بزازان، فاطمه. (۱۳۸۵). نقش و اهمیت ابعاد اقتصاد فضا در محاسبه جداول داده- ستانده منطقه‌ای: پدیده فراموش شده در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۸(۲۷)، ۱۱۴ - ۸۹.

برهان یزدانی، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی اثر افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی بر تورم، کارگروه طرح تحول اقتصادی.

کشور بوده است؛ به‌گونه‌ای که در تمامی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب (به ویژه برنامه‌های سوم و چهارم)، ضرورت اجرای آن مدنظر بوده است.

هر چند که قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ابعاد ملی مطرح بوده و آثار اجرای این طرح که اساسی‌ترین بخش آن مربوط به اصلاح قیمت‌های انرژی و پرداخت نقدی یارانه‌ها می‌شود، در بُعد ملی، مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما آثار آن در ابعاد محلی نیز بسیار با اهمیت می‌باشد؛ به ویژه آثاری که بر منابع درآمدی و هزینه‌های شهرداری‌های کشور داشته و خواهد داشت. بر این اساس، مطالعه حاضر، آثار طرح مذکور بر منابع درآمدی و هزینه‌های شهرداری‌های کشور با نگرش سیستمی، از اهمیت بسزایی در بودجه‌ریزی شهرداری‌ها برخوردار است. برای اجرایی شدن این نگرش، طی مراحل زیر ضروری است:

۱- حتی‌المقدور جدول داده- ستانده منطقه‌ای که شهرداری در آن مستقر است، فراهم شود.

۲- مقوله‌های هزینه‌ای شهرداری با بخش‌های جدول داده- ستانده، تطبیق داده شوند.

۳- از بُعد درآمدها، از آنجایی که عمده‌ترین تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر درآمدهای شهرداری‌ها از محل درآمد حاصل از قانون مالیات، بر ارزش‌افزوده و نیز درآمدهای ساختمانی می‌باشد؛ اثر هدفمندی بر این دو جزء درآمدی باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

افزایش قیمت حامل‌های انرژی مستقیماً از طریق افزایش درآمدهای حاصل از عوارض مربوط به سوخت و برق، می‌تواند منجر به افزایش درآمد حاصل از قانون مالیات بر ارزش‌افزوده برای شهرداری‌ها شود. به منظور برآورد تأثیر اجرای مرحله اول قانون بر این آیتم درآمدی، مصارف و قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های قبل و بعد از هدفمندی، مورد استفاده قرار گیرد. با داشتن اطلاعات قیمت و مصرف قبل و بعد از

معاونت هدفمند نمودن یارانه‌ها و رفاه اجتماعی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی. (۱۳۸۷). *هدفمندسازی یارانه‌ها: تجربه کشورها*.

هادی زنوز، بهروز. (۱۳۹۰). *مطالعه پیامدهای اقتصادی اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها*. چاپ اول، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.

یاوری، علیرضا. (۱۳۸۷). *سیر تحول پرداخت یارانه در ایران*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بولتن تخصصی اقتصاد ایران، زمستان.

Catenazzi, Giacomo. (۲۰۰۹). *Advances in techno-economic energy modeling*, Diss., Eidgenössische Technische Hochschule ETH Zürich.

Coletti, Don, Murchison, Stephen. (۲۰۰۲). *Models in Policy-Making*, Bank Of Canada Review, ۲۰۰۲ (Summer).

Eurostat. (۱۹۹۶). *European system of national and regional accounts*.

Flegg A. T, Tohmo, T. (۲۰۰۸). *Regional Input Output Models and the FLQ Formula: A Case Study of Finland*, Discussion Papers from University of the West of England, Department of Economics, Available at: <http://econpapers.repec.org/scripts/redir.plex?u=http%3A%2F%2Fcarecon.org.uk%2FDPs%2F0808.pdf;h=repec:uwe:paper:0808>.

International Monterey Fund. (۲۰۱۰). *Islamic Republic of Iran: Selected Issues Paper*. IMF Country Report No. ۱۰/۲۶.

Itoh, Y, Nakata, T. (۲۰۰۴). *Input-output analysis for installing renewable energy systems*. *Energy and Environment*, ۱۵(۲), ۲۷۱-۲۸۱.

Kula, Mehmet. (۱۹۹۶). *Analysis of Price increases by the input - output Costing model in the Turkish economy*, Twelfth International conference on Input- output Techniques, New York.

Meagher, G.A. (۲۰۰۷). *Assessing the Reliability of the MONASH Labour*

پرمه، زورار. (۱۳۸۴). *بررسی یارانه انرژی و آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطوح قیمت‌ها در ایران*. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۴، ۱۴۷-۱۱۷.

تصدیقی، بهروز؛ حیدری‌پور، افشین. (۱۳۸۷). *گزارش درباره لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها*. برآورد آثار تورمی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در دو حالت فشار هزینه و فشار تقاضا در دو گزینه یکبار و پلکانی، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس.

توتونچی ملکی، سعید. (۱۳۸۷). *گزارش مروری بر مبانی نظری و مطالعه تجربه پرداخت نقدی یارانه‌ها در برخی از کشورها*. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس.

توتونچی ملکی، سعید. (۱۳۸۸). *بررسی مصوبات و استدلال‌های توجیهی کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی در مورد لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها*. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس.

سیاح، سید امیر. (۱۳۸۷). *مروری بر سیاست‌گذاری پنج سال اخیر درباره قیمت سوخت: مسأله بنزین؛ راه‌حل روشن است*. مرکز پژوهش‌های مجلس، بولتن تخصصی اقتصاد ایران، شماره سوم، زمستان، ۶-۲.

قادری، سید فرید؛ رزمی، جعفر؛ صدیقی، عسگر. (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر پرداخت یارانه مستقیم انرژی بر شاخص‌های کلان اقتصادی با نگرش سیستمی، نشریه دانشکده فنی، جلد ۳۹، شماره ۴، ۵۳۷-۵۲۷*.

گروه پژوهشی رفاه اجتماعی - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، بررسی و نقد گزارش نظام هدفمند یارانه‌ها در ایران. (۱۳۸۰). *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱(۲)، ۹۵-۱۱۲.

گزارش اول طرح اصلاح قیمت حامل‌های انرژی با رویکرد هدفمند کردن یارانه‌ها. (۱۳۸۷).

گزارش پشتیبان طرح تحول اقتصادی در نظام یارانه (هدفمند کردن یارانه و روش‌های پرداخت آن)، گزارش شماره ۶، جلد سوم، ویرایش اول، دبیرخانه کارگروه تحولات اقتصادی.

- Market Forecasts: Some Comments on a Report by the National Institute of Labour Studies, *National Centre for Vocational Education Research*, Adelaide, July.
- Miller, Ronald E., Blair, Peter D. (۲۰۰۹). *Input-Output Analysis: Foundations and Extensions*, ۲nd edition. Cambridge University Press.
- Morgan, Mary S., den Butter, Frank A.G. (۲۰۰۳). *Empirical Models and Policy-Making: Interaction and Institutions*, Routledge.
- Pyatt, F Graham, Round, Jeffery I. (۱۹۷۹). Accounting and Fixed Price Multipliers in a Social Accounting Matrix Framework, *Economic Journal*, ۸۹(۳۵۶).
- Swaminathan, A.M. (۲۰۰۸). Methods for generation of a regional input output table for the state of maharashtra: A Comparative Analysis” Discussion Papers from University of Mumbai Available at:
http://www.mu.ac.in/arts/social_science/economics/pdf/wp۲۹.pdf)
- Roy Joyashree, Ranjana Mukhapadhyay, Energy and Infrastructure Needs in India: An input – output Analysis, Working paper, ۲۰۰۰.
- Urge-Vorsatz, Diana, Gergana, Miladinova, Laszlo, Paizs. (۲۰۰۶). Energy in Transition: From the Iron Curtain to the European Union, *Energy Policy* ۳۴, pp. ۲۲۷۹-۲۲۹۷.

